

## تحلیل جامعه‌شناختی تلقی نخبگان علوم اجتماعی ایران درباره توسعه اقتصادی - اجتماعی

محمود بسطامی‌نژاد<sup>۱</sup>، دکتر اکبر طالب‌پور<sup>۲</sup> و دکتر خلیل میرزایی<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۳/۱۹

تاریخ وصول: ۹۸/۵/۱

### چکیده:

هدف این پژوهش دستیابی به یک اجماع نظری از دیدگاه‌های صاحب‌نظران علوم اجتماعی ایران درباره توسعه اقتصادی - اجتماعی بود. با توجه به اهداف تحقیق از رویکرد کیفی و روش تحقیق دلفی استفاده شد. مطلعین این پژوهش شامل تمام کسانی بود که در حوزه توسعه صاحب‌نظر بوده و در این زمینه دارای کتاب، مقاله و یا اثر پژوهشی بودند. با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند تعداد ۱۵ نفر از این افراد به‌عنوان مشارکت‌کننده انتخاب شدند. برای تعیین میزان اتفاق نظر میان اعضای پانل دلفی از ضریب هماهنگی کندال استفاده شد که میزان آن ۷۰ درصد تعیین گردید. نتایج تحقیق نشان دادند که اگر حاکمیت را ترکیبی از سه بخش دولت، قوه قضائیه و مردم بدانیم، با بکارگیری استراتژی حاکمیت خوب، آنها با هم در تعامل خواهند بود و دولت با شایسته‌سالاری، کاهش سهم نفت از بودجه کشور، اصلاح نظام اداری و مالیاتی، حمایت از بانک مرکزی مستقل و بودجه کارآمد و شفاف از یک طرف و قوه قضائیه با برقراری حاکمیت قانون، کنترل فساد و بهبود شاخص‌های شفافیت در کشور از طرف دیگر، بستر و امنیت لازم را برای بازار ایجاد می‌نمایند تا تولید، اشتغال و رونق اقتصادی ایجاد شود. در این بین مشارکت مردم در حکومت سبب تحقق جامعه مدنی در قالب: مطبوعات آزاد، احزاب و رسانه‌های مستقل می‌شود که به‌عنوان پل ارتباطی بین دولت و اجتماع عمل نموده و زمینه را برای نظارت بیشتر بر عملکرد دولت و مسئولان و پاسخگویی آنها فراهم می‌کند. ترکیب و تعامل این بخش‌ها با هم زمینه را برای تحقق اهداف این استراتژی یعنی: تأمین خدمات اساسی، تحقق عدالت اجتماعی، تقویت ساختارهای دموکراتیک، گسترش چتر تأمین اجتماعی، بهبود کیفیت محیط زیست، افزایش بهره‌وری و ... فراهم می‌کند که در چنین بستری زمینه برای دستیابی به توسعه اقتصادی - اجتماعی تسهیل می‌شود.

**مفاهیم کلیدی:** نخبگان علوم اجتماعی، روش دلفی، دولت توسعه‌گرا، حاکمیت خوب، توسعه اقتصادی - اجتماعی

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، گرایش اقتصادی و توسعه، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران  
bastamimahmood@yahoo.com

<sup>۲</sup> دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران (نویسنده مسئول)  
a.talebpour@alzahra.ac.ir

<sup>۳</sup> دانشیار گروه جامعه‌شناسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران  
mirzaeikhaliir@yahoo.com

### مقدمه و بیان مسأله

رشد و پیشرفت عمری به بلندای تاریخ دارد اما مباحث مربوط به توسعه به شکل مستقل، به بعد از جنگ جهانی دوم بر می‌گردد. مسأله‌ی توسعه یکی از مسائل مهم در حوزه‌های انسانی - اجتماعی است و جامعه‌ی ایران نیز همانند دیگر جوامع در حال توسعه در دهه‌های اخیر به دنبال دستیابی به توسعه بوده است و به خاطر جایگاهی که توسعه در نزد صاحب‌نظران، اندیشمندان، سیاست‌مداران و حتی عامه‌ی مردم داشته، این موضوع به یک حوزه‌ی مهم مطالعاتی تبدیل شده است.

مروری کوتاه بر تاریخ پر فراز و نشیب ایران، خصوصاً طی ۱۵۰ سال اخیر، گویای تلاش‌های خستگی‌ناپذیر مصلحانی چون عباس میرزا، امیر کبیر، قائم مقام، مصدق و دیگرانی است که برای اعتلای ایران و پیشرفت و توسعه‌یافتگی آن از هیچ کوششی فروگذار نکرده‌اند. با دقت در روند تاریخی ایران می‌توان انقلاب مشروطه را نقطه‌ی عطف آگاهی ایرانیان نسبت به عقب‌ماندگی‌شان دانست و همچنین سلسله پهلوی را سرآغاز کوشش آنان برای مدرنیزاسیون برشمرد. نیک می‌دانیم که هیچ‌یک از این تلاش‌ها سرانجام حقیقی خود را نیافته است و کشور ما همچنان پس از ۱۵۰ سال در حال توسعه خوانده می‌شود. این بحث زمانی که خود را با دیگر کشورها، مثلاً کشورهای آسیای جنوب شرقی مقایسه می‌کنیم، ابعاد خود را نمایان‌تر می‌سازد. به نظر می‌رسد عناصری در ساختار جامعه‌ی ایران وجود دارد که مانع توسعه است. اگر چه این نظر مورد تأیید عموم نظریه‌پردازان توسعه‌نیافتگی ایران نیست و برخی از آنان عوامل خارج از ساختار اجتماعی ایران را در این زمینه دخیل می‌دانند اما بیشتر صاحب‌نظران بر نقش پررنگ‌تر عوامل داخلی تأکید دارند (Naghdi and Hesari, 2012).

در ایران از سال ۱۳۲۷ شمسی اولین برنامه‌ی توسعه‌ی عمرانی کشور به اجرا درآمد. عنوان برنامه‌های توسعه پیش از انقلاب « برنامه‌ی عمران و آبادانی » بود و چنانچه از نام آن پیداست تأکید اصلی بر تولید، عمران، کشاورزی، ارتباطات و مخابرات و ... بود. پنج برنامه‌ی عمرانی تا سال ۱۳۵۵ به اجرا درآمد و برنامه‌ی ششم به دلیل همزمانی با وقوع انقلاب اسلامی ناتمام ماند. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به دلیل وقوع جنگ تحمیلی و تبعات آن حدود یک دهه‌ی کشور از برنامه‌ی توسعه‌ای محروم بود و از انتهای دهه‌ی شصت، اولین برنامه توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور به اجرا درآمد (Joghtaei & et. al., 2016:58).

تجربه‌های به‌دست آمده از برنامه‌های توسعه‌ی اقتصادی - اجتماعی قبل از انقلاب نشان داد که چنان‌الگوه‌ا، تحلیل و تبیینی نتوانسته اقتصاد کهنسال و چند ساختاری و کارکردی ایران را به سوی اقتصاد خوداتکا، درون‌زا، پویا و نظام‌مند سوق دهد و اقتصاد ایران پس از چندین دهه‌ی تلاش، کوشش و تبلیغ و دگرگونی در ساختارهای تولید، توزیع و مصرف و با سرمایه‌گذاری عظیم حاصل از درآمد نفت در بخش اقتصادی، نتوانسته به هدف خود یعنی دستیابی به یک اقتصاد پیشرفته سرمایه‌داری نائل آید زیرا الگوهای توسعه و نوسازی در ایران، ساخته و پرداخته اندیشه و بینش صاحب‌نظران و مدیران جوامع سرمایه‌داری غرب بود و بیشتر در جهت منافع، خواسته‌ها و نیازهای جوامع سرمایه‌داری غرب شکل گرفته بود. با پیروزی انقلاب اسلامی، یک نگرش جدید، با روی آوردن به دیدگاه و الگوی اسلامی شکل گرفت و در قانون اساسی و برنامه‌های عمرانی و توسعه‌ی تبلور یافت و بر این اعتقاد بود که نظام اقتصادی - اجتماعی ایران برای رهایی از وابستگی و روابط ناعادلانه اقتصادی - اجتماعی و پیامدهای ناشی از آن نیازمند برنامه‌ی اقتصادی - اجتماعی است که از درون فرهنگ خود و از متن اسلام گرفته شده باشد تا از این طریق از نظریه‌های اقتصادی و برنامه‌های مدون کشورهای خارجی بی‌نیاز شود. با نگاهی به تمام برنامه‌ها و الگوهای قبلی استفاده شده در کشور و نتایج حاصل از آنها مشخص می‌شود که نظریه‌ها و الگوهای توسعه‌ی اقتصادی - اجتماعی استفاده شده در ایران هر کدام کاستی‌هایی جدی داشته‌اند. کاستی‌های بنیادی نظریه‌ها و الگوهای پیشین توسعه‌ی اقتصادی - اجتماعی مطرح شده در ایران عبارتند از:

- کم بها دادن به ماهیت ساختاری نظام اقتصادی - اجتماعی ایران.
- عدم شناخت و ارزیابی واقعی نقش هر یک از عوامل و عناصر تشکیل‌دهنده‌ی جامعه‌ی ایران.
- بزرگ نمایی قدرت اقتصادی جهانی و یا برعکس ناچیز شمردن و روی گردانی از آن (Saifolahi, 2011:30-34).

تا دهه‌ی اخیر اجماعی بر مدل توسعه‌ی اقتصاد ملی وجود نداشت و به همین دلیل وضعیت اقتصادی و رفاهی مناسبی شکل نگرفت. با مطرح شدن مسأله‌ی هسته‌ای ایران به عنوان یک مسأله‌ی سیاسی در عرصه‌ی بین‌الملل، رویکردهای متفاوتی نسبت به ایران از سوی ابرقدرت‌های بزرگ در پیش گرفته شد که مهم‌ترین آن، تحریم‌های چند جانبه بود. با شدت یافتن تحریم‌ها، اقتصاددانان ایرانی سعی کردند یک مدل بومی برای خروج از وضعیت موجود ارائه دهند؛ چرا که در شرایط کنونی جهان شاید بتوان گفت اقتصاد

مهم‌ترین مؤلفه‌ی قدرت محسوب می‌شود. این مدل بومی که در سال ۱۳۹۲ توسط رهبری مطرح و توسط اقتصاددانان تبیین شد، مدل اقتصاد مقاومتی است. هر چند الگوی اقتصاد مقاومتی با توجه به مؤلفه‌های بومی ایران تعریف شده است اما در واقع ترکیبی از نظریه‌های نوسازی و وابستگی است که پیش‌تر ارائه شده است. از این‌رو نمی‌توان آن را یک الگوی جدید دانست اما به هر شکل ماهیت مستقلی دارد ( *Rostami and Bahramipour, 2018:96*).

با نگاهی به وضعیت کنونی شاخص‌های اقتصادی - اجتماعی در ایران، در می‌یابیم که سطح این شاخص‌ها در کشور در مقایسه با کشورهای منطقه و در سطح جهانی بسیار پایین است. مؤسسه‌ی لگاتوم از شاخصی به نام شاخص لگاتوم برای اندازه‌گیری سطح رفاه کشورها استفاده می‌کند و بر اساس وضعیت کشورها در ۹ حوزه‌ی مختلف شامل اقتصاد، فرصت‌های کسب و کار، حکومت‌داری، آموزش، سلامت، امنیت و ایمنی، محیط زیست، آزادی‌های فردی و سرمایه‌ی اجتماعی، سطح رفاه آنها را می‌سنجد. شاخص رفاه لگاتوم نشان می‌دهد که کشورها تا چه اندازه از فقر به سمت رفاه تلاش کرده‌اند. برآورد جدید این مؤسسه‌ی جهانی بیانگر تنزل جایگاه رفاه در ایران است و نشان می‌دهد که رتبه‌ی ایران در شاخص رفاه ۲۰۱۹ به ۱۱۹ در میان ۱۶۷ کشور جهان رسیده است و در زیر شاخص‌های ایمنی و امنیت در رتبه‌ی ۱۳۱، محیط سرمایه‌گذاری رتبه ۱۲۶، سرمایه‌ی اجتماعی رتبه‌ی ۱۲۹، کیفیت اقتصادی رتبه‌ی ۱۰۱، حکمرانی رتبه‌ی ۱۳۸، محیط زیست رتبه‌ی ۱۵۲، سلامت رتبه‌ی ۸۸، آزادی‌های فردی رتبه‌ی ۱۶۳، شرایط زندگی رتبه‌ی ۷۳ و در زیر شاخص دسترسی بازار و زیرساخت در رتبه‌ی ۱۱۰ قرار دارد. این در حالی است که برآورد قبلی این مؤسسه‌ی بیانگر جایگاه ۱۰۸ ایران در سال ۲۰۱۸ در بین ۱۴۹ کشور جهان بوده است ( *Legatum, 2019*).

در هر حال ضمن اینکه این واقعیت انکار نمی‌شود که ما در روند توسعه گام‌هایی برداشته‌ایم اما عوامل مختلف سبب شده‌اند که سرعت روند توسعه در ایران کاهش یافته و نامتوازن باشد. یکی از بهترین اقدامات برای رفع مشکلات اقتصادی - اجتماعی در کشور، استفاده از دیدگاه‌ها و نظرات نخبگان علوم اجتماعی و بطور مشخص صاحب‌نظران توسعه است که علاوه بر تخصص، با شرایط و ویژگی‌های خاص کشور و وضعیت موجود نیز آشنایی کافی داشته باشند. حال این تحقیق در صدد بررسی شناخت نخبگان علوم اجتماعی ایران از وضعیت توسعه‌ی اقتصادی - اجتماعی کشور و راهکارهای دستیابی به وضعیت مطلوب، از منظر آنان می‌باشد.

## ادبیات پژوهش

تحقیقات مختلفی به روش‌های گوناگون در رابطه با موضوع تحقیق انجام شده است که در اینجا به تعدادی از مهم‌ترین تحقیقات داخلی و خارجی اشاره می‌شود:

*الف) تحقیقات داخلی*

*Zobairi and Salahi Kojor (2018)* در تحقیقی با عنوان « اثر استقلال قضائی بر تولید ناخالص داخلی ( مطالعه‌ی بین کشوری با روش داده‌های تابلویی)» اثر استقلال قضائی بر تولید ناخالص داخلی ۵۲ کشور منتخب توسعه‌یافته و در حال توسعه را طی دوره‌ی ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ و با استفاده از روش داده‌های تابلویی مورد بررسی قرار داده و نشان دادند که استقلال دستگاه قضائی اثر مثبت و معناداری بر تولید ناخالص داخلی داشته است و دستگاه قضائی مستقل و کارآمد از طریق تضمین قراردادهای و مجازات تخطی از قانون بر امنیت مالکیت خصوصی و پیش‌بینی‌پذیری سرمایه‌گذاری و در نتیجه رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارد.

*Emam jomeehzadeh and Safaryan (2017)* در تحقیق با عنوان «الگوی حکمرانی خوب، سرمایه‌ی اجتماعی و توسعه‌ی همه‌جانبه» و با روش توصیفی - تحلیلی نشان دادند که الگوی حکمرانی خوب با ایجاد سرمایه‌ی اجتماعی در ساختار سه‌گانه‌ی خود موجب توسعه در سطوح مدیریتی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌شود و دولت با شخصیت و ماهیت متمایز خود و بر پایه‌ی منطقی و تسهیل‌گر در شراکت و همکاری با بخش‌های اجتماعی دیگر مانند جامعه‌ی مدنی و نهادهای عمومی غیر دولتی و بخش خصوصی به ایفای نقش در توسعه می‌پردازد.

*Motaghi (2017)* در تحقیقی با عنوان « بررسی نقش توسعه‌ی اجتماعی بر رشد اقتصادی (مطالعه‌ی موردی: کشورهای ایران و ترکیه)» و با استفاده از تخمین مدل اقتصادسنجی و با استفاده از تابع کاب داگلاس تعمیم‌یافته و با رویکرد اصلی مدل بلوم و دیگران که بر اساس ساختار جمعیتی شکل گرفته است نشان داد که شاخص‌های توسعه‌ی اجتماعی از عوامل اثرگذار در رشد اقتصادی در کشورهای مذکور محسوب می‌شوند و به صورت میانگین یک واحد افزایش در شاخص‌های توسعه‌ی اجتماعی مورد استفاده در تحقیق حدود ۳/۵ واحد رشد اقتصادی در این کشورها را بهبود می‌بخشد که این عامل به خوبی نشان‌دهنده‌ی تأثیرگذاری بالای رشد اقتصادی از توسعه‌ی اجتماعی در کنار فاکتورهای اقتصادی می‌باشد.

*Bonjar & et. al. (2015)* در تحقیقی با عنوان « رویکردهای توسعه‌ی اجتماعی از دیدگاه اعضای هیئت علمی گروه‌های علوم اجتماعی » و با استفاده از روش کیفی و نظریه‌ی مبنایی نشان دادند که همه‌ی مصاحبه‌شوندگان به اهمیت توسعه‌ی اجتماعی در کشور اعتقاد دارند و معتقدند که جامعه‌ی ایران هنوز نتوانسته است سطوح قابل قبولی از توسعه‌ی اجتماعی را پیاده کند و موانع توسعه‌ی اجتماعی در کشور، پررنگ‌تر و تأثیرگذارتر از عوامل توسعه‌اند و برای نیل به توسعه اجتماعی در کشور باید به نحوی اصولی با نبود جامعه مدنی، نداشتن مشارکت اجتماعی، نبود احزاب مستقل، پایین بودن سطح امنیت و اعتماد، حضور پررنگ دولت در همه عرصه‌ها، توسعه نیافتگی فرهنگی، تقابل سنت و نوگرایی و... مقابله کرد.

*Azizi and Hashemyan (2015)* در تحقیقی با عنوان « بررسی عوامل تأثیرگذار بر توسعه‌ی اجتماعی و اقتصادی در شهر اصفهان » و با استفاده از روش پیمایش نشان دادند متغیرهای کیفیت زندگی، رفاه فردی، برابری قدرت خرید، احساس عدالت اجتماعی و درآمد سرانه به ترتیب دارای بیشترین سهم برای پیش‌بینی متغیرهای توسعه‌ی اجتماعی و اقتصادی شهروندان اصفهان هستند.

*Fazeli & et. al. (2013)* در تحقیق با عنوان « توسعه‌ی اجتماعی، شاخص‌ها و جایگاه ایران در جهان » و با بررسی شاخص‌های متعددی که برای سنجش این مفهوم از سوی این سازمان‌های مختلف ارائه شده است نشان دادند که وضعیت کنونی توسعه‌ی اجتماعی در ایران در مقایسه با سایر کشورهای جهان و کشورهای ۱۶ گانه‌ی منطقه از وضعیت چندان مناسبی برخوردار نیست و نیازمند تأمل جدی پیرامون چرایی این امر و چگونگی بهبود و تغییر آن است.

*Mosaei (2009)* در تحقیقی با عنوان « رابطه‌ی بین توسعه‌ی اجتماعی و توسعه‌ی اقتصادی » و با استفاده از بررسی مفاهیم توسعه‌ی اجتماعی، توسعه‌ی اقتصادی و شاخص‌های آنها نشان داد که اگر توسعه‌ی اجتماعی را بصورت عام تعریف کنیم شامل توسعه اقتصادی هم می‌شود اما اگر بصورت خاص تعریف گردد، کاملاً از توسعه‌ی اقتصادی متمایز است. از لحاظ تاریخی نیز ارتباط توسعه‌ی اقتصادی و توسعه‌ی اجتماعی در کشورهای توسعه‌یافته‌ی کنونی، دارای تجربه‌ی متفاوتی از کشورهای در حال توسعه است. در حالی که در کشورهای در حال توسعه، توجه صرف به توسعه‌ی اقتصادی باعث وخیم شدن وضعیت شاخص‌های توسعه‌ی اجتماعی شده است اما در کشورهای توسعه‌یافته ابتدا

باعث وخیم شدن وضعیت شاخص‌های توسعه‌ی اجتماعی شده و سپس این شاخص‌ها بهبود یافته‌اند.

#### ب) تحقیقات خارجی

*Vogelgesang (2016)* در تحقیقی با عنوان « تأثیر اندازه‌ی دولت در رفاه اجتماعی کشورهای کمتر توسعه‌یافته » نشان داد که رابطه‌ی بین رفاه و توسعه‌ی اجتماعی منوط به فرایند هدایت‌گری و برنامه‌های کلان دولت می‌باشد و از نظر وی شاخص‌های پرورش و سرمایه‌گذاری انسانی از مهم‌ترین عوامل در افزایش کیفیت توسعه‌ی اجتماعی به‌ویژه در جهان سوم است.

*Caporale & et. al. (2015)* در تحقیقی با عنوان « بررسی رابطه‌ی بین توسعه‌ی مالی و رشد اقتصادی در ۱۰ عضو جدید اتحادیه‌ی اروپا » و با استفاده از روش و تکنیک *GMM* نشان داد که بازارهای سرمایه و سهام هنوز هم در این کشورها توسعه نیافته‌اند و اینکه رشد اقتصادی در این کشورها با توجه به فقدان بخش مالی عمیق، به صورت محدود توزیع شده است.

*Yeh & et. al. (2013)* در تحقیقی با عنوان « بررسی تأثیرات ساختار مالی بر رشد اقتصادی و نوسانات رشد بر روی ۴۰ کشور » و با استفاده از روش برآوردگر میانگین گروهی ترکیبی (*PMG*) نشان دادند که رشد اقتصادی بلند مدت در کشورهای دارای نظام مالی مبتنی بر بازار سریع‌تر است. دوم اینکه برآوردها و تخمین‌های *PMG* نشان می‌دهد که رابطه‌ی بلند مدت میان ساختار مالی و نوسان رشد از نظر آماری معنی‌دار و مثبت است.

*Tremblay (2009)* در مقاله‌ای با عنوان « پیشرفت اقتصاد اجتماعی جهت توسعه‌ی اجتماعی - اقتصادی » نشان داد که مفاهیم و چارچوب‌های اقتصاد اجتماعی تابع توجه فزاینده تحلیل آکادمیک، سیاست عمومی توسط دولت‌ها و کنش مشارکتی توسط جنبش‌های جامعه‌ی مدنی هم در کانادا و هم به شکل بین‌المللی بوده‌اند. توجه رو به رشد به مفهوم اقتصاد اجتماعی (*SE*) نشان‌دهنده‌ی تلاش برای بررسی مباحث زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی مربوطه داخلی‌ای می‌باشد که بر توسعه‌ی پایدار مردم، جوامع و ملت‌ها و ماهیت وابسته به داخل توسعه‌ی بشری جهانی اثر می‌گذارد. یافته‌ها بر مقوله‌های مربوط به ابزار سیاست و برنامه‌های بکار رفته توسط دولت‌ها و جامعه‌ی مدنی در حوزه‌های مختلف از نظر بین‌المللی تأکید دارند.

*Jong-A-Pin (2006)* با استفاده از روش تحلیل عاملی به بررسی آثار مختلف بی‌ثباتی سیاسی (انگیزه‌های سیاسی خشونت، اعتراضات مدنی، بی‌ثباتی در درون نظام سیاسی) بر رشد اقتصادی ۹۸ کشور طی دوره‌ی ۱۹۸۴ تا ۲۰۰۳ پرداخته است. بر اساس نتایج مطالعه، در مجموع بی‌ثباتی نظام سیاسی اثر منفی و معنی‌داری بر رشد اقتصادی دارد اگر چه ابعاد مختلف شاخص‌های سیاسی اثر متفاوتی بر رشد اقتصادی خواهد داشت. *Stiglitz (2002)* در تحقیقی با عنوان « مشارکت و توسعه و چشم‌اندازهای به دست آمده از پارادایم‌های جامع توسعه » رابطه‌ی میان توسعه اقتصادی و اجتماعی را بررسی می‌کند و با دیدگاه افرادی که به وجود مبادله میان دموکراسی و رشد معتقد هستند، مخالفت کرده است. این مقاله ادعا می‌کند که دستیابی به اجماع، گفتگوهای آزاد و ارتقای جامعه‌ی مدنی فعال مؤلفه‌های اصلی توسعه‌ی پایدار بلندمدت هستند.

از جمع‌بندی تحقیقات انجام شده می‌توان نتیجه گرفت که بیشتر این تحقیقات با استفاده از رویکرد کمی و با استفاده از دیدگاه‌ها و نظریات کشورهای مختلف مخصوصاً اروپا و آمریکا صورت گرفته است که این نظریات با شرایط کشور ما همخوانی ندارد. یکی از مشخصه‌های تحقیق کیفی این است که محقق ابزار اصلی جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات است و اطلاعات از طریق ابزار انسانی گردآوری می‌شود و چون تحقیق کیفی بر فرایند معنا و فهم تمرکز دارد، یافته‌های آن از توصیف غنی و عمیق برخوردارند. لذا لزوم انجام تحقیقات بیشتر با استفاده از رویکرد کیفی و دستیابی به یک اجماع نظری از صاحب‌نظران در زمینه‌ی توسعه‌ی اقتصادی - اجتماعی، بیش از پیش در کشور ما احساس می‌شود. بنابراین تحقیق حاضر با استفاده از رویکرد کیفی و به روش دلفی به یک اجماع نظری در رابطه با دیدگاه نخبگان علوم اجتماعی کشور درباره توسعه‌ی اقتصادی - اجتماعی دست یافته و اقدامات پیشنهادی آنان را برای نیل به این امر بیان کرده است.

### مبانی نظری پژوهش

در میان مباحث متعددی که در چند دهه‌ی اخیر در حوزه‌ی علوم اجتماعی مطرح شده، بحث توسعه از گستردگی و اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار بوده است. توجه صاحب‌نظران مختلف علوم اجتماعی چون جامعه‌شناسی، اقتصاد، سیاست، مردم‌شناسی، علوم اجتماعی، توسعه‌ی سیاسی و توسعه‌ی فرهنگی، وجود رویکردهای متعدد نظری، تأکید بر انجام مطالعات چندرشته‌ای و در نهایت توجه محافل علمی و بین‌المللی گواهی بر این گستردگی و اهمیت است. اصطلاح توسعه به صورت فراگیر پس از جنگ جهانی دوم



مطرح شد. واژه‌ی توسعه در لغت به معنای خروج از لفاف است. در قالب نظریه‌ی توسعه‌ی لفاف همان جامعه‌ی سنتی و فرهنگ و ارزش‌های مربوط به آن است که جوامع برای متجدد شدن باید از این مرحله سنتی خارج شوند (Azkia and Ghafari, 2008). توسعه ابعاد و شاخص‌های مختلفی دارد که در ادامه ابتدا شاخص‌های آن و سپس با توجه به موضوع تحقیق به توضیح توسعه‌ی اقتصادی و توسعه‌ی اجتماعی می‌پردازیم.

### شاخص‌های توسعه

بطور کلی طراحی قالب شاخص‌های توسعه از گذشته تاکنون به عهده‌ی سازمان‌های بین‌المللی بوده است که به منظور نظارت بر وضعیت کشورها در هر مقطع (تحلیل ایستا) و تحول شرایط زندگی در آنها (تحلیل پویا)، شاخص‌هایی را معرفی کرده است که به تعدادی از آنها اشاره می‌شود:

۱- تولید ناخالص داخلی و درآمد ملی سرانه: محصول ناخالص داخلی (GDP) عبارت است از مجموع ارزش کالاها و خدمات تولید شده‌ی نهایی در یک جامعه در طول یک سال معین. این شاخص برجسته‌ترین متغیر نشان‌دهنده‌ی وضعیت کلان اقتصادی است. به نظر می‌رسد کشوری که تولید ناخالص داخلی بیشتری دارد، از ثروت، قدرت و مکنت بیشتری برخوردار بوده و می‌تواند نیازمندی‌های آحاد جامعه را به نحو مطلوب‌تری تأمین نماید. شاخص درآمد ملی سرانه نیز از تقسیم شاخص فوق بر جمعیت کشورها تعیین می‌شود. بر اساس شاخص فوق بانک جهانی از لحاظ سطح درآمدی کشورها را به چهار گروه دارای درآمد پایین، درآمد متوسط به پایین، درآمد متوسط به بالا و کشورهای با درآمد بالا تقسیم‌بندی کرده است.

۲- توزیع درآمد: یکی از معیارهای مهم در سنجش درجه‌ی توسعه‌یافتگی یک اقتصاد، بررسی و تحلیل الگوی توزیع درآمد میان این کشورهاست. به عبارت بهتر بیشتر بودن درآمد یا تولید ناخالص ملی سرانه یک کشور، الزاماً مؤید برخورداری بیشتر آحاد جامعه‌ی مزبور از مواهب مادی نیست، بنابراین لازم است مشخص سازیم درآمد فوق چگونه بین افراد جامعه و گروه‌های مختلف درآمدی توزیع شده است. از تلفیق دو معیار فوق (درآمد ملی سرانه و توزیع درآمد) می‌توان شاخص وسعت فقر را که شاخصی مهم در درجه‌ی توسعه‌یافتگی یک کشور محسوب می‌شود، استخراج نمود. به طور کلی در هر سطح از درآمد ملی سرانه، هر چه توزیع درآمد ناعادلانه‌تر باشد، میزان فقر نیز بیشتر است. برای سنجش این مورد از ضریب جینی استفاده می‌شود. این ضریب با نسبتی تعریف می‌شود که

ارزشی بین صفر و یک دارد: یک ضریب جینی پایین، برابری بیشتر در توزیع درآمد یا ثروت رانسان می‌دهد در حالی که ضریب جینی بالاتر توزیع نابرابر را مشخص می‌کند.

۳- دسترسی به آموزش عمومی و بهداشت همگانی: به‌طور خلاصه می‌توان گفت توسعه اقتصادی هر کشور در گرو ظرفیت و توان تولیدی آن کشور است و دو عامل اصلی در شکل‌گیری ظرفیت و توان تولیدی هر کشور، میزان انباشت سرمایه‌های انسانی و سرمایه‌های فیزیکی است. بر این اساس یکی از شاخص‌های مهم در سنجش درجه‌ی توسعه‌یافتگی کشورها، گسترش امکانات آموزشی و دسترسی آسان و رایگان آحاد جمعیت کشورها به امکانات مذکور است چرا که این شاخص‌ها، میزان توجه دولت‌ها به سرمایه‌های انسانی و سرمایه‌گذاری در منابع انسانی را به‌عنوان مهم‌ترین موتور محرکه‌ی رشد و توسعه‌ی اقتصادی منعکس می‌سازد. رابطه‌ی بهداشت و توسعه رابطه‌ای دو سویه است. توسعه‌ی اقتصادی به بهبود بخشیدن وضع بهداشت تمایل دارد، در حالی که بهداشت نیز در توسعه‌ی اقتصادی سهیم است.

۴- شاخص توسعه انسانی<sup>۱</sup>: این شاخص سطح توسعه هر کشور را بر پایه سه معیار استاندارد اقتصادی (بر اساس درآمد سرانه تعدیل شده یا قدرت خرید) سطح آموزش (بر اساس میزان باسوادی بزرگسالان و میزان نام‌نویسی از افراد واجد شرایط تحصیل در سه مقطع تحصیلی) و سطح بهداشت (بر اساس میزان امید به زندگی) اندازه‌گیری می‌کند (Norbakhsh, 2016:23-28).

توسعه اقتصادی<sup>۲</sup>: توسعه اقتصادی فرایندی است که در طی آن شالوده‌های اقتصادی و اجتماعی جامعه دگرگون می‌شود به‌طوری که حاصل چنین دگرگونی و تحولی در درجه‌ی اول کاهش نابرابری اقتصادی و تغییراتی در زمینه‌های تولیدی، توزیع و الگوهای مصرف جامعه خواهد بود. در این میناست که گفته شده برای آنکه تولید اقتصادی پدید آید لزوماً باید شبکه‌ای بهم پیوسته متشکل از مجموعه‌ای محصولات و درآمدها، با توجه به منابع و کلیه‌ی موجودی‌های داخلی و با در نظر گرفتن وابستگی‌های متقابل با دیگر کشورها پدید آورد. لیکن برای اخذ چنین نتیجه‌ای و همچنین به منظور توزیع عادلانه‌ی درآمد ملی و بهبود سطح زندگی ملت، باید به استقرار ساختار و نهادهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی منطبق با شرایط جدید پرداخت. انطباق رفتارها، طرز فکرها و نقش‌های اجتماعی نیز به نوبه‌ی خود باید مطمح نظر قرار بگیرد. چه توسعه، الزاماً

<sup>1</sup> human development index

<sup>2</sup> economic development

متضمن توسعه‌ی اجتماعی و ترقی جامعه به‌عنوان مجموعه‌ای زنده می‌باشد. اصلاحات اساسی، تبدلات نهادی و دگرگونی‌های طرز فکر نیز اغلب برای بدست آوردن چنین آهنگی در ترقی ضروری به نظر می‌رسند (Smelser, 2002).

توسعه اجتماعی<sup>۱</sup>: در یک تعریف کلی به‌عنوان کوششی برای بهبود سعادت مردم و یکپارچگی مردم در فرایند توسعه محسوب می‌شود. این مفهوم گاه به‌عنوان یک مکمل سودمند برای توسعه‌ی اقتصادی محور و گاه به‌عنوان یک رقیب جایگزین آن منظور می‌گردد. در مدل توسعه‌ی اجتماعی علاوه بر نقش نهادهای دولتی در پاسخگویی به نیازهای انسانی، توسعه‌ی ظرفیت‌های افراد و جوامع مورد توجه قرار می‌گیرند. رشد رویکرد توسعه‌ی اجتماعی، حاکمیت گفتمان اقتصادی توسعه را تضعیف کرد. در سال‌های پایانی قرن بیستم، گفتمان اقتصادی نئولیبرال به مثابه یک جریان پیروز به نظر می‌آمد ولی پیدایش مفاهیم و رویکردهای جدید همچون توسعه‌ی پایدار، توسعه‌ی سبز، محیط زیست‌گرایی، سرمایه‌ی اجتماعی، توسعه‌ی انسانی و توسعه‌ی محلی این جریان به ظاهر پیروز را به چالش کشید (Ghaneei Rad, 2005).

### نظریه‌ها و رویکردهای توسعه اقتصادی

#### ۱- نظریه نوسازی<sup>۲</sup>

مکتب نوسازی محصول تاریخی سه رویداد مهم در دوران بعد از جنگ جهانی دوم است که عبارتند از: ظهور ایالات متحده به‌عنوان یک ابرقدرت در سطح جهان، گسترش جنبش جهانی کمونیسم و تجزیه‌ی امپراطوری‌های استعماری اروپایی در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین. مکتب نوسازی برای توضیح نوسازی کشورهای جهان سوم، از هر دو نظریه "تکامل‌گرایی" و "کارکردگرایی" بهره گرفت. طبق نظریه‌ی تکامل‌گرایی، تغییر اجتماعی فرایندی تک‌خطی، رو به پیشرفت و تدریجی است که جوامع بشری را به‌طور بازگشت ناپذیری از یک مرحله‌ی ابتدایی به یک مرحله‌ی پیشرفته سوق می‌دهد و در مسیر حرکت به سوی تکامل، جوامع را بیشتر به یکدیگر شبیه می‌کند. بر پایه‌ی چنین فرضی، محققین نوسازی ویژگی‌هایی را به‌طور ضمنی در نظریات خود مطرح کرده‌اند. به اعتقاد آنها نوسازی یک فرایند مرحله به مرحله، تجانس آفرین، اروپایی شدن، غیر قابل بازگشت، رو به پیشرفت و طولانی است. سایر فرضیات مشترک میان محققان نوسازی از نظریه‌ی

<sup>۱</sup> social development

<sup>۲</sup> renovation theory

کارکردگرایی اقتباس شده است و محققان نوسازی تحت تاثیر این نظریه، نوسازی را فرایندی نظام‌یافته، انتقال‌دهنده و درون‌زا می‌دانند (Azkia & et. al., 2013:31-32).

نظریه‌پردازان مکتب نوسازی موانع توسعه‌ی جهان سوم را از طریق منشور تجربه‌ی توسعه‌ی شمال می‌بینند. در این دیدگاه رشد غنی شمال حاصل استثمار جنوب نیست، بلکه حاصل کشف رموز پایداری رشد اقتصادی است. ارزش‌های فرهنگی و نهادهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی که کلید توسعه‌ی شمال هستند با مفهوم تجدد آمیخته شده‌اند. نوسازی اروپایی دربرگیرنده‌ی حذف تدریجی روش‌های سنتی سازماندهی اجتماعی است. حال عناصر اصلی نوسازی چیست؟ مشخصاتی که نظریه‌پردازان این مکتب ارائه می‌کنند بسیار متفاوت است اما در میان موارد ارائه شده، ویژگی‌هایی وجود دارد که بیشتر مورد تأکید قرار می‌گیرد: سکولاریزم (افول اهمیت مذهب در زندگی اجتماعی و فرهنگی)، شهرنشینی، گسترش علم و تکنولوژی، افزایش تحرک اجتماعی، نظام پاداش‌های اجتماعی بر اساس لیاقت و شایستگی نه موقعیت‌های شخصی، پذیرش نوآوری‌های اجتماعی و تنوع دیدگاه‌ها، محدودیت کنترل‌هایی که قدرتمندان سیاسی در زندگی اجتماعی و اقتصادی ایجاد می‌کنند، به‌ویژه ظهور فضای خصوصی، برقراری حاکمیت قانون و توسعه‌ی بخش گسترده‌ی نیروی کار در جامعه (Saei, 2015:82-83).

از آنجا که برخی اندیشمندان نوسازی را معادل توسعه در نظر گرفته‌اند، همان تقسیم‌بندی‌ها و طبقه‌بندی‌هایی که برای توسعه ذکر می‌شود، برای نوسازی هم صدق می‌کند؛ بنابراین می‌توانیم از نوسازی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و روانی سخن بگوییم (Naghdi and Hesari, 2012: 4).

## ۲- نظریه وابستگی<sup>۱</sup>

پس از انتقادات وارد شده به نوسازی دیدگاه وابستگی مطرح گردید. اینان معتقد بودند که روابط اجتماعی در بین نخبگان حقوقی (شرکت‌ها) و سیاسی، ساز و کار اصلی استثمار سرمایه‌دارانه است. در این دیدگاه‌ها ویژگی‌های اجتماعی کشورها و جوامع فقیر یکسره از نقطه نظر رابطه‌ی آنان با ابزار تولید و ناسازگاری ذاتی بین منافع طبقه‌ی سرمایه‌داری و کارگری تفسیر می‌شد. امکان (یا ضرورت) رابطه متقابلاً سودمند بین کارگران و صاحبان سرمایه، یا طیف بسیار متنوع کشورهای در حال توسعه، از نظر موفقیت، یا راهبردهایی - غیر از انقلاب - که فقرا بتوانند بوسیله‌ی آن سرنوشت خود را

<sup>۱</sup> dependency theory

بهبود بخشند، بسیار به اختصار ذکر می‌شد و یا به کلی مسکوت می‌ماند (Taj Bakhsh, 2006:532).

نظریه وابستگی به دو شاخه‌ی کلاسیک و جدید تقسیم می‌شود:

۱- وابستگی کلاسیک: این دیدگاه بر اندیشه‌ی پل باران<sup>۱</sup> یکی از متفکران کلاسیک نظریه‌ی وابستگی مبتنی است. او در پی‌ریزی این نظریه نقش اساسی داشته است. توسعه‌ی نظریه‌ی وابستگی بر اثر بکارگیری کار پل باران در مطالعه‌ی آمریکای لاتین توسط آندره گوندیره فرانک<sup>۲</sup> بوده است. در این دیدگاه رابطه‌ی بین کشورهای مرکزی با اقماری بر بهره‌کشی استوار است. استمرار و شدت این رابطه موجب ثروتمند شدن کشورهای قطب مرکزی و فقیرتر شدن کشورهای اقماری خواهد بود. از این رو عقب‌افتادگی کشورهای جهان سوم به جای عوامل درونی به عوامل خارجی مربوط است.

۲- وابستگی جدید: این دیدگاه در مطالعات اندیشمندان نظریه‌ی وابستگی ریشه دارد و در دوره‌ی جدید پیترو اوانز<sup>۳</sup> از همه مهم‌تر است. او در توسعه‌ی دیدگاه جدید وابستگی به‌طور روشن و مشخص نقش عمده‌تری داشته است. اوانز در بیان دیدگاه خود که عنوان «توسعه‌ی وابسته‌گونه» را برای آن انتخاب کرده است از بررسی دیدگاه اندیشمندان دیدگاه کلاسیک شروع می‌کند و در نهایت به طرح اصول و مبادی این دیدگاه می‌پردازد. اوانز نظریه‌ی امپریالیسم و برداشت کلاسیک از نظریه‌ی وابستگی را به دلیل غفلت از بررسی علل داخلی در توسعه و یا عدم توسعه‌ی جهان سوم مورد انتقاد قرار داده و بر این نکته تأکید ورزیده است که باید عوامل داخلی و خارجی را در یک ارتباط هماهنگ با هم به حساب آورد. تأکید اوانز بر نقش برگزیدگان جامعه‌ی برزیل در توسعه و وابستگی است. او در سیستم اقتصادی سه نوع برگزیده چون برگزیدگان سرمایه‌داری خارجی، داخلی و دولتی را به رسمیت شناخته است. در دیدگاه او دو اصطلاح توسعه و وابستگی در یک عبارت جمع شده است یعنی در عین حال که وابستگی وجود دارد نوع یا درجه‌ای از توسعه‌یافتگی نیز حاصل می‌شود. «توسعه توأم با وابستگی» یک مثال خاص از وابستگی است که به واسطه‌ی ترکیب یا همکاری سرمایه‌ی داخلی و خارجی مشخص گردیده است. دولت هم در این مجموعه مشارکت دارد و یکی از علل توسعه و وابستگی است که در

<sup>1</sup> Paul Baran

<sup>2</sup> Andre Gundreh Frank

<sup>3</sup> Peter Evans

جهت کسب منافع خود عمل می‌کند و نقش سازماندهی و هماهنگی بین دیگر نیروها را نیز بر عهده دارد (Azad Armaki, 2011:130-133).

### استراتژی تعدیل ساختاری

تعدیل ساختاری در صدد ترجیح قلمروی اقتصادی و طرد و نادیده انگاری سایر جنبه‌هاست. این رویکرد در اوایل و اواسط دهه‌ی ۱۹۸۰ و تحت تأثیر اقتصادهای نئوکلاسیک سر برآورد. در سال ۱۹۸۹ و در «اجماع واشنگتن» صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و وزارت خزانه‌داری آمریکا پیرامون برخی مسائل اقتصادی با یکدیگر به توافق رسیدند که سیاست‌گذاری‌های توسعه را طی ۱۵ سال بعدی به شدت تحت تأثیر قرار داد. این توافق عمدتاً بر نقد دولت رفاه‌گرای کینزی و تجویز تقلیل نقش دولت، خصوصی‌سازی و سیاست‌های بازار آزاد متمرکز بود. این سیاست‌ها که در چارچوب سیاست‌های تعدیل ساختاری بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول مطرح شدند و خود ویلیامسون نیز بعدها آنها را مدون کرد عبارتند از: ۱- افزایش پس‌انداز از راه سیاست‌های مالی؛ ۲- تغییر جهت به نفع هزینه‌های اجتماعی دولت‌ها؛ ۳- اصلاح مالیاتی و برقراری مالیات بر زمین از راه‌هایی که نسبت به محیط زیست حساس باشد؛ ۴- افزایش نظارت بانک جهانی؛ ۵- رقابتی کردن نرخ ارز؛ ۶- لیبرالیزه کردن (آزادسازی) تجارت بین منطقه‌ای؛ ۷- بنا کردن یک اقتصاد رقابتی کامل از راه خصوصی‌سازی و مقررات‌زدایی؛ ۸- ایجاد مؤسسات مالی کلیدی مانند بانک مرکزی مستقل و اداره‌ی قوی بودجه و ایجاد دستگاه قضایی مستقل؛ ۹- افزایش هزینه‌های آموزشی ابتدایی و متوسطه؛ ۱۰- ارائه‌ی تعریف روشن از دستیابی به حقوق مالکیت برای همه بود (Azkia & et. al., 2013: 354-359).

### توسعه اجتماعی و شاخص‌های آن

یکی از مهم‌ترین ابعاد توسعه، توسعه‌ی اجتماعی است. توسعه‌ی اجتماعی به مثابه یک کل یکپارچه، رویکردی مستقل است که در آن هم توسعه‌ی اقتصادی لحاظ می‌شود و هم سایر انواع توسعه از قبیل سیاسی، فرهنگی، علمی، آموزشی، بهداشتی و امثال آن را در بر می‌گیرد. توسعه‌ی اجتماعی را می‌توان هم مجموعه دگرگونی‌های ساختاری در ساختارهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه تلقی کرد و هم یکی از پیامدهای توانایی و ظرفیت جامعه در سازماندهی، توانمندی انسان‌ها و منابع مولد برای مواجهه با فرصت‌ها و چالش‌های پیش رو در نظر گرفت (Bonjar & et. al., 2015:60).

به لحاظ تاریخی اولین سند مهم سازمان ملل متحد در باب توسعه‌ی اجتماعی مربوط به گزارش ۱۹۵۴ است. گروهی از کارشناسان درباره‌ی تعریف بین‌المللی و سنجش معیارها و سطوح توسعه‌ی اجتماعی که در آن زمان سطوح زندگی نامگذاری شده بود، گزارش مفصلی را تهیه کرده بودند. شاخص‌های این گزارش عبارت بودند از: ۱- بهداشت، شامل شرایط جمعیت‌شناختی؛ ۲- غذا و تغذیه؛ ۳- آموزش و پرورش شامل مواد و مهارت‌آموزی؛ ۴- شرایط کار؛ ۵- وضعیت اشتغال؛ ۶- مصرف کل پس‌اندازها؛ ۷- حمل و نقل؛ ۸- مسکن شامل تسهیلات خانگی؛ ۹- پوشاک؛ ۱۰- تفریح و استراحت؛ ۱۱- امنیت اجتماعی؛ ۱۲- آزادی‌های بشری بودند. پیرو این سند و گزارش، سازمان ملل با شناخت از این موضوع که شاخص‌هایی که قرار است پیشرفت هر یک از این اجزا را مورد سنجش قرار دهد، لیستی از شاخص‌های دارای اولویت را پیشنهاد کرد که عبارت بودند از: ۱- امید به زندگی در هنگام تولد؛ ۲- میزان مرگ و میر نوزادان؛ ۳- میانگین ملی تأمین مواد غذایی بر حسب کالری‌های مورد نیاز سطح جزئی در مقایسه با مقدار برآورد شده کالری‌های مورد نیاز؛ ۴- نسبت کودکان ۵ تا ۱۴ ساله که در مدارس نام‌نویسی کرده‌اند؛ ۵- نسبت درصد جمعیت با سواد بالاتر از یک سن خاص، کل این جمعیت و توزیع آن از لحاظ جنسیتی؛ ۶- نسبت جمعیت فعال از لحاظ اقتصادی یا به عبارت دیگر درصد بیکاری؛ ۷- نسبت درصد توزیع جمعیت فعال از لحاظ اقتصادی بر اساس طبقه‌بندی‌های اصلی صنعتی و شغلی؛ ۸- مصرف فردی به صورت نسبی از درآمد و شاخص تغییرات ناشی از آن بودند. از آن زمان تا اوایل دهه‌ی نود میلادی برای توصیف دقیق‌تر وضعیت توسعه‌ی اجتماعی، شاخص‌های دیگری نیز به مرور طراحی شدند که این شاخص‌ها بیشتر در حوزه‌های بهزیستی و مراقبت اجتماعی قرار می‌گرفتند (Fazeli & et. al., 2013:156).

در مجموع اگر بخواهیم دسته‌بندی از شاخص‌های بکار گرفته شده‌ای در طی سالیان اخیر برای سنجش توسعه‌ی انسانی و اجتماعی ارائه دهیم، می‌توانیم چنین شاخص‌های پیشنهادی را در چهار دسته طبقه‌بندی کنیم: نخستین دسته به شرایط زندگی: بهداشت، تغذیه، مسکن، دسترسی به آب و تسهیلات بهداشتی و مشابه آنها اشاره دارد. دسته‌ی دوم به جنبه‌های اطلاعاتی و فرهنگی، سوادآموزی، آموزش و پرورش، کتابخانه‌ها، روزنامه‌ها، موسیقی، تئاتر و هنرهای زیبا می‌پردازد. سومین دسته مربوط به مسائل اجتماعی: حقوق بشر، وضعیت زنان، مشارکت، برابری، امنیت فردی، کودکان کار، استعمال مواد مخدر، فساد و وضعیت محیط زیست است. دسته‌ی چهارم نیز شاخص‌های مربوط به ذهن و جان آدمی:

خوشبختی، احساس امنیت، رضایتمندی، آرامش، امید به زندگی و مشابه آنها است (Akbari, 2001:34).

### نظریه‌های توسعه اجتماعی

در زمینه‌ی توسعه‌ی اجتماعی پنج دیدگاه نظری اصلی را می‌توان ملاحظه نمود که به شرح زیر است:

۱- رویکرد «نیازهای اولیه»: متأثر از پذیرش حق برخورداری از نیازهای اولیه انسان‌ها (آموزش، بهداشت، خوراک، پوشاک و مسکن) به‌عنوان حقی بشری است. هدف اصلی توسعه‌ی اجتماعی برآورده کردن کل نیازهای اساسی بشریت - امری که از جامعه‌ای به جامعه‌ی دیگر با توجه به نیازها، گرایش‌ها و محدودیت‌ها فرق می‌کند - است و هدف کلیدی بهبود کیفیت زندگی محسوب می‌شود.

۲- رویکرد «تکاملی»: که بر اساس آن هدف اصلی توسعه‌ی اجتماعی برقراری نظم اجتماعی و نتیجه‌ی آن یکپارچگی اجتماعی است و وقوع توسعه‌ی اجتماعی به شرط نهادینه شدن توسعه‌های انسانی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی است. بر اساس این دیدگاه فرایند توسعه‌ی اجتماعی پیشرفتی خطی و پیچیده دارد که نتایج هر یک از مراحل با مراحل قبلی ارتباط تنگاتنگی دارد، به همین دلیل به آن رویکرد تکاملی گفته می‌شود.

۳- رویکرد «کارکردگرایی»: که چهار حوزه‌ی توسعه‌ی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی را به‌عنوان چهار عنصر توسعه‌ی ملی مطرح می‌کند و هر یک را دارای هویت و استقلال نسبی می‌داند. در اینجا توسعه‌ی اجتماعی به معنای بسط و تحکیم اجتماع جامعه‌ای است که یکی از حوزه‌های چهارگانه‌ی حیات اجتماعی انسان در هر جامعه است و هدف توسعه‌ی اجتماعی رسیدن به نقطه‌ی مطلوب است که توسط بعد هنجاری توسعه‌ی اجتماعی مشخص می‌شود.

۴- رویکرد «ساختارگرایی»: فرایند ایجاد دگرگونی‌های بنیادی در ساختارها و روابط اجتماعی با انگیزه‌ی اهداف ادغام اجتماعی، انسجام اجتماعی، پاسخگو کردن کارگزاران، امکانات و سازمان‌های صاحب قدرت توسعه‌ی اجتماعی است.

۵- بر اساس رویکرد تلفیقی یا رویکرد «بیانیه‌ی کپنهاگ»: توسعه‌ی اجتماعی و عدالت اجتماعی برای نیل به صلح و امنیت و تداوم آن برای ملت ضروری است و بر این مهم تأکید شده که توسعه‌ی اقتصادی، توسعه‌ی اجتماعی و حفظ محیط زیست در رابطه‌ی



متقابل با یکدیگر بوده و چهارچوب توسعه‌ی پایدار را تشکیل می‌دهند که هدف آن ارتقای کیفیت زندگی برای همه‌ی آحاد بشر است (Joghtaei & et. al., 2016:67-68).

### استراتژی نیازهای اساسی<sup>۱</sup>

طرح موضوع تأمین نیازهای اساسی از اواسط دهه ۱۹۷۰ شروع شد و به طرح مسأله‌ی افزایش رفاه گروه‌های محروم و فقیر در جهان سوم کمک کرد. هسته‌ی اصلی و نظری الگوی نیازهای اساسی آن است که به جای گروه هدف قرار دادن گروه‌های درآمدی بالای جامعه (با ادعای بالا بودن میل نهایی به پس‌انداز آنها) برعکس باید گروه‌های کم درآمد و میان درآمد، هدف نظام برنامه‌ریزی و برنامه‌های توسعه باشد. چون گسترش یک بازار انبوه و همگن (مانند مسکن، خوراک، پوشاک و ...) مجموعاً سریع‌تر و قوی‌تر از سیاست انبساط تقاضا در گروه درآمدی بالا، باعث رشد اقتصادی بلند مدت و تحولات ساختاری می‌گردد. سیاست‌ها و اقدامات الزامی و پیشنهادی الگوی نیازهای اساسی عبارتند از:

۱- اصلاح و بسط روش‌های ارائه‌ی خدمات عمومی به منظور افزایش رفاه گروه‌های محروم و فقیر؛ ۲- رفع موانع از سر راه گسترش فعالیت‌ها و واحدهای تولیدی کوچک و کاربر، خاصه از طریق اعمال سیاست‌های مناسب اقتصادی همانند سیاست پولی (اعطای وام‌های کم‌بهره)، سیاست مالی (معافیت‌های مالیاتی)، سیاست تجاری وضع تعرفه‌های حمایتی و اعمال اقدامات قانونی و نهادی؛ ۳- بکارگیری و تخصیص منابع مناسب برای آموزش‌های مهارت‌زا و بهبود روش‌های تولید، بسط و گسترش تحقیق و فن‌آوری در خصوص گسترش تکنولوژی‌های تولید کاربر و کوچک که نهایتاً به افزایش کارایی منجر شود؛ ۴- بکارگیری مناسب مجموعه ابزارهای سیاست‌گذاری برای ارتقاء میزان تولید در مزارع کوچک از طریق تحقیقات کشاورزی، اصلاح سیستم‌های آبیاری و اصلاحات ارضی، بیمه‌های کشاورزی، بازاریابی و اعطای منابع اعتباری مناسب و سایر اقدامات مشابه (Khoshchehreh, 2006:105).

<sup>۱</sup> basic needs

## الگوی حکمرانی خوب

از نظر یونسکو (۲۰۰۲)، حکمرانی خوب به معنی ساز و کارها، فرایندها و نهادهایی است که به واسطه‌ی آنها شهروندان، گروه‌ها و نهادهای مدنی، منافع مدنی خود را دنبال می‌کنند و حقوق قانونی خود را به اجرا در می‌آورند و تعهداتشون را برآورده می‌سازند. بانک جهانی حکمرانی خوب را بر اساس شش ویژگی زیر تعریف می‌کند:

**۱- اعتراض و پاسخگویی:** اعتراض و پاسخگویی به مفهوم میزان و درجه‌ی توانایی شهروندان یک کشور در تعیین و انتخاب دولت خود است که از طریق انتخابات آزاد از سوی مردم انتخاب شوند. این شاخص از طرف دیگر نمایانگر میزان آزادی بیان، آزادی احزاب و تشکلهای و اجتماعات و آزادی رسانه‌های جمعی است. بر اساس این شاخص هر چقدر مردم در یک جامعه نقش بیشتری در تعیین زمامداران و هیأت حاکم داشته باشند و حضور تشکلهای و انجمن‌ها بیشتر باشد و رسانه‌های جمعی استقلال داشته باشند و افرادی که زمامدار جامعه هستند، پاسخگوی اعمال خود باشند و افراد آزادانه فعالیت و نظر خود را بیان کنند، نشان‌دهنده‌ی وضعیت بهتری از حکمرانی خوب است.

**۲- ثبات سیاسی و فقدان خشونت:** عمده بحث این شاخص مربوط به تروریسم و خشونت است و هر چه کشوری از ثبات سیاسی بیشتری برخوردار باشد در زمینه‌ی حکمرانی خوب امتیاز بالاتری را کسب می‌کند.

**۳- اثربخشی دولت:** در این شاخص کیفیت خدمات عمومی، کیفیت بوروکراسی، صلاحیت حکمرانان شهری و میزان استقلال خدمات شهری از فشارهای سیاسی مد نظر است.

**۴- کیفیت مقررات:** در کیفیت مقرراتی، مفهوم کنترل قیمت‌ها، نظارت بر سیستم بانکی و مواردی از قبیل عدم تحمیل فشار بر صاحبان کسب و کار به منظور توسعه‌ی تجارت مد نظر قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر منظور از این شاخص قابلیت دولت در تدوین و اجرای سیاست و مقرراتی است که سبب گسترش حضور و فعالیت‌های بخش خصوصی می‌شود.

**۵- حاکمیت قانون:** اینکه تا چه میزان قوانین در یک جامعه واقعی‌اند و می‌توان به اجرای آنها اطمینان داشت با این شاخص ارزیابی می‌شود. در این شاخص به‌ویژه اجرای قراردادهای، احتمال وقوع جرم‌های خشونت‌آمیز و غیر خشونت‌آمیز، اثربخشی و قابلیت عملکرد محاکم قضائی در یک جامعه، مد نظر است.

۶- کنترل فساد: فراوانی «پرداخت‌های اضافی جهت انجام کارها» جنبه‌ی قابل تأمل در این بخش است. به عبارت دیگر فساد، رفتاری را شامل می‌شود که در پی آن افراد صاحب قدرت از نفوذ خود در بخش دولتی به‌عنوان مزیتی در راستای منافع شخصی خود بهره می‌برند. این شاخص هم فسادهای جزئی و کوچک و هم فسادهای کلان و بزرگ را در بر می‌گیرد (Padashziveh and Khodapanah, 2015:168-169).

### روش‌شناسی پژوهش

با توجه به اینکه هدف تحقیق طراحی یک مدل توسعه‌ای مناسب برای ایران بود که شرایط و ویژگی‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، تاریخی، اجتماعی و ... کشور را در نظر بگیرد لذا این مسئله مستلزم استفاده از کسانی بود که در این زمینه دارای تخصص و دانش کافی باشند و توسعه، شاخص‌ها و ابعاد مختلف آن را فهم و درک کنند؛ بنابراین استفاده از روش دلفی برای دستیابی به هدف مورد نظر و پاسخ به سؤالات تحقیق مناسب تشخیص داده شد و در این پژوهش از روش دلفی کلاسیک در طی سه راند استفاده کردیم.

### تشکیل و ترکیب پانل دلفی

در این پژوهش از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است و مطلعین شامل تمام کسانی بود که در زمینه‌ی توسعه صاحب‌نظر بوده و دارای کتاب، مقاله و یا حداقل یک اثر پژوهشی بودند.

تعداد مناسب برای اعضاء نکته‌ی مهم دیگری است که در تشکیل پانل باید به آن توجه کرد. مانند هر نمونه‌گیری دیگر حجم نمونه به عواملی مانند امکان دسترسی به افراد، زمان لازم و هزینه‌ی گردآوری اطلاعات بستگی دارد. در روش دلفی که اعضای پانل باید از متخصصان موضوع پژوهش باشند، این محدودیت‌ها افزایش پیدا می‌کند. از طرف دیگر ایجاد اتفاق نظر میان اعضاء به‌عنوان هدف از کاربرد این روش با افزایش آنها دشوارتر می‌شود، هر چند تعداد اعضای پانل در پژوهش‌های پیش بین از ۱۰ تا ۱۶۸۵ نفر متغیر بوده است اما هنگامی که میان اعضای پانل تجانس وجود داشته باشد حدود ۱۰ تا ۲۰ عضو توصیه شده است (Pawell, 2003).

در این پژوهش ابتدا لیستی از اساتید ۱۰ دانشگاه برتر کشور در حوزه‌ی علوم اجتماعی تهیه شد و کسانی که در زمینه‌ی توسعه صاحب‌نظر بوده و دارای کتاب، مقاله و

یا اثر پژوهشی بودند، مشخص گردیدند. سپس با کسب اطلاعات مورد نیاز این افراد و دستیابی به آدرس آنها، با نزدیک به ۴۰ نفر از این اساتید بحث و گفتگو گردید و پس از بیان عنوان تحقیق و روش تحقیق مورد استفاده در آن، تنها ۱۵ نفر از آنها برای همکاری در تحقیق اعلام آمادگی کردند. مشخصات شرکت‌کنندگان عبارت بود از:

- یک نفر فوق دکتراي جامعه‌شناسی و مسائل توسعه
- دو نفر دکتراي جامعه‌شناسی
- ۴ نفر دکتراي جامعه‌شناسی گرایش اقتصادی و توسعه
- ۴ نفر دکتراي علوم اقتصادی
- یک نفر دکتراي جامعه‌شناسی گرایش توسعه‌ی اجتماعی روستایی
- یک نفر دکتراي جامعه‌شناسی گرایش بررسی مسائل اجتماعی
- دو نفر دکتراي جامعه‌شناسی گرایش فرهنگی

### تعیین سطح اتفاق نظر

در این پژوهش برای تعیین میزان اتفاق نظر میان اعضای پانل دلفی از ضریب هماهنگی کندال<sup>۱</sup> استفاده شده است. در جدول زیر تفسیر مقادیر گوناگون ضریب هماهنگی کندال ذکر شده است:

جدول ۱: تفسیر مقادیر گوناگون ضریب هماهنگی کندال

**Table 1: Interpretation of Various Kendall Coordination Coefficient Values**

اطمینان نسبت به ترتیب عوامل <i>Confidence In The Arrangement Of Factors</i>	تفسیر <i>Interpretation</i>	مقدار ضریب کندال (W) <i>Kendal Coefficient Value</i>
وجود ندارد	اتفاق نظر بسیار ضعیف	0/1
کم	اتفاق نظر ضعیف	0/3
متوسط	اتفاق نظر متوسط	0/5
زیاد	اتفاق نظر قوی	0/7
بسیار زیاد	اتفاق نظر بسیار قوی	0/9

(Alidosti, 2006:16; Quoted From Smith, 1997)

<sup>1</sup> Kendall's coefficient of concordance (w)

با توجه به جدول فوق در این پژوهش میزان ۷۰ درصد به‌عنوان سطح اتفاق نظر تعیین گردید. بر این اساس هر راهکار پیشنهادی مطرح شده برای دستیابی به توسعه‌ی اقتصادی - اجتماعی که در راند دوم و سوم تحقیق ۷۰ درصد امتیازهای ممکن را کسب می‌کرد، سطح اتفاق نظر را کسب می‌نمود و از آنجائی که بر اساس امتیازدهی ناشی از طیف لیکرت هر مورد حداکثر ۵ امتیاز می‌توانست کسب کند و تعداد مشارکت‌کنندگان نیز ۱۵ نفر بود، بنابراین حداکثر امتیاز هر راهکار پیشنهادی برای نیل به توسعه ۷۵ امتیاز می‌توانست باشد و کسب ۷۰ درصد از این میزان امتیاز یعنی دستیابی به ۵۲/۵ امتیاز و بیشتر به منزله‌ی کسب سطح اتفاق نظر تلقی می‌شد و مواردی که این میزان امتیاز را کسب می‌کردند به‌عنوان راهکارهای پیشنهادی برای دستیابی به توسعه که مشارکت‌کنندگان درباره‌ی آنها اتفاق نظر دارند، در نظر گرفته می‌شدند.

### ساخت پرسشنامه دلفی

در روش دلفی، پرسشنامه‌هایی از طریق پست، اینترنت و یا ابزارهای دیگر برای گروهی از متخصصان انتخاب شده ارسال می‌گردد. این پرسشنامه‌ها برای استخراج پاسخ‌های فردی به مسئله‌های طرح شده طراحی می‌شوند و به تدریج متخصصان را قادر می‌سازند بینش‌های خود را طبق تکلیف محول شده پالایش نمایند. روش کار به این صورت است که مشارکت‌کنندگان به اولین پرسشنامه پاسخ می‌دهند و بعد بر این اساس پرسشنامه‌ی دور دوم تدوین و اجرا می‌شود. هر زمان که پرسشنامه اجرا می‌شود، آن را "دوره یا راند" می‌نامند. بنابراین برای رسیدن به به پاسخ‌های دقیق و پالایش شده، ممکن است به چند دوره نیاز باشد (Mirzaei, 2016:381).

در این تحقیق برای گردآوری اطلاعات از پرسشنامه در طی سه راند استفاده کردیم. برای این کار نظریات و استراتژی‌های مختلف توسعه که چند مورد از مهم‌ترین آنها در مبانی نظری تحقیق ذکر شده است، با دقت مطالعه و راهکارهای پیشنهادی آنها برای دستیابی به توسعه به دقت مورد نقد و بررسی قرار گرفت و با لحاظ کردن شرایط و ویژگی‌های مختلف تاریخی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ... ایران، تعداد ۳۹ اقدام برای دستیابی به توسعه‌ی مناسب تشخیص داده شد و جهت اظهار نظر متخصصان تعیین گردیدند.

در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از نرم‌افزار SPSS استفاده شده و از آمار توصیفی شامل جداول توزیع فراوانی، میانگین، انحراف معیار و ... و آمار استنباطی شامل

ضریب هماهنگی کندال برای دستیابی به میزان سطح اتفاق نظر بین اعضای پانل دلفی در پایان راند سوم استفاده کردیم.

### یافته‌های پژوهش

#### نتایج راند اول

جدول ۲: نتایج آزمون‌های آماری برای اقدامات پیشنهادی جهت دستیابی به توسعه اقتصادی - اجتماعی در راند اول

**Table 2: The Result of Statistical Tests for the Proposed Actions to Achieve Socio-economic Development in the First Round**

ردیف	اقدامات پیشنهادی جهت دستیابی به توسعه اقتصادی - اجتماعی	میانگین امتیاز	انحراف معیار	میانگین رتبه	میزان امتیاز
Row	Proposed Actions To Achieve Socio-economic Development	Mean	Std.Deviation	Mean Rank	Score
1	برقراری حاکمیت قانون	4/80	0/414	34/67	72
2	ایجاد دستگاه قضائی مستقل و کارآمد	4/73	0/457	33/87	71
3	شایسته‌سالاری	4/73	0/457	33/83	71
4	بهبود شاخص شفافیت (جریان آزاد اطلاعات و دسترسی سهل و آسان همه به آن)	4/66	0/487	32/90	70
5	کنترل فساد	4/60	0/507	31/87	69
6	دسترسی به یک شغل با حقوق مکفی	4/60	0/507	31/83	69
7	پاسخگو بودن دولت به مردم	4/53	0/516	31/33	68
8	داشتن یک دولت توسعه‌گرا	4/53	0/516	31/17	68
9	ایجاد مؤسسات مالی کلیدی مانند بانک مرکزی مستقل و اداره‌ی بودجه قوی	4/40	0/507	29/53	66
10	داشتن رسانه‌های گروهی مستقل	4/40	0/507	29/50	66
11	اولویت دادن به توسعه‌ی اقتصادی	4/40	0/507	29/23	66
12	تأمین خدمات اساسی (آب سالم، بهداشت، آموزش و حمل و نقل)	4/40	0/507	29/23	66
13	اصلاح و بهبود کیفیت نظام اداری	4/33	0/487	28/80	65
14	برقراری عدالت اجتماعی	4/26	0/457	27/57	64
15	افزایش هزینه‌های آموزش ابتدایی و متوسطه	4/20	0/414	26/87	63
16	مشارکت گسترده مردم در حکومت	4/20	0/414	26/70	63
17	ثبات سیاسی و عدم خشونت	4/20	0/414	26/67	63

ردیف	اقدامات پیشنهادی جهت دستیابی به توسعه‌ی اقتصادی - اجتماعی	میانگین امتیاز	انحراف معیار	میانگین رتبه	میزان امتیاز
Row	Proposed Actions To Achieve Socio-economic Development	Mean	Std.Deviation	Mean Rank	Score
18	ایجاد یک اقتصاد رقابتی کامل از راه خصوصی سازی و مقررات‌زدایی	3/93	0/703	24/43	60
19	افزایش بهره‌وری	4	0/534	24/13	60
20	تأمین آزادی‌های مدنی	3/86	0/639	22/67	58
21	کنترل قیمت‌ها و افزایش کیفیت قوانین و مقررات تنظیم‌گری	3/66	0/487	20/13	55
22	اصلاح نظام مالیاتی	3/66	0/487	19/77	55
23	ایجاد وفاق عمومی	3/66	0/487	19/57	55
24	تقلیل نقش دولت در اقتصاد	3/60	0/507	19/10	54
25	تأمین حداقل نیازهای مصرفی خانواده (غذا، مسکن و پوشاک)	3/60	0/507	18/73	54
26	آزادی ورود و خروج سرمایه از کشور	3/53	0/516	18/30	53
27	بهبود کیفیت خدمات عمومی توسط دولت	3/46	0/516	17/47	52
28	اولویت دادن به توسعه‌ی اجتماعی	3/40	0/507	16/30	51
29	لیبرالیزه کردن تجارت بین منطقه‌ای	3/33	0/723	16/20	50
30	حذف بارانها	3/13	0/639	13/97	47
31	افزایش پس‌انداز از طریق سیاست‌های مالی	2/66	0/487	8/93	40
32	تأمین شرایط محیطی سالم	2/60	0/507	8/67	39
33	افزایش ارزش پول ملی	2/46	0/516	7/70	37
34	افزایش نرخ بهره	2/46	0/516	7/67	37
35	کاهش مؤثر بودجه دولت و اعمال سیاست‌های انقباضی	2/33	0/487	6/93	35
36	بازپرداخت سریع بدهی‌های خارجی	1/73	0/457	3/60	26
37	رقابتی کردن بازار نرخ ارز	1/66	0/487	3/33	25
38	فعال کردن صرافی‌ها به منظور عملی کردن سیستم ارز شناور	1/66	0/487	3/17	25
39	کاهش کارگران و کارمندان از طریق اخراج‌های داوطلبانه و اجباری	1/60	0/507	3/37	24

از بین اقدامات پیشنهادی مطرح شده برای نیل به توسعه اقتصادی - اجتماعی، ۳ اقدام « برقراری حاکمیت قانون » با ۷۲ امتیاز (کسب ۹۶ درصد امتیاز ممکن)، « ایجاد دستگاه قضائی مستقل و کارآمد » با ۷۱ امتیاز (کسب ۹۴/۶۶ درصد امتیاز ممکن) و « شایسته‌سالاری » با ۷۱ امتیاز (کسب ۹۴/۶۶ درصد امتیاز ممکن) به ترتیب بیشترین امتیاز را کسب نمودند و اولویت اقدامات پیشنهادی از دیدگاه صاحب‌نظران مشارکت‌کننده در تحقیق بودند؛ همچنین سه اقدام «کاهش کارگران و کارمندان از طریق اخراج‌های داوطلبانه و یا اجباری» با ۲۴ امتیاز (کسب ۳۲ درصد امتیاز ممکن)، « فعال کردن صرافیه‌ها به منظور عملی کردن سیستم ارز شناور» با ۲۵ امتیاز (کسب ۳۳/۳۳ درصد امتیاز ممکن) و «رقابتی کردن بازار نرخ ارز» با ۲۵ امتیاز (کسب ۳۳/۳۳ درصد امتیاز ممکن) با کسب کمترین امتیاز ممکن در انتهای اقدامات پیشنهاد شده برای نیل به توسعه اقتصادی - اجتماعی قرار گرفتند. در پایان این راند نیز ۱۲ اقدام به‌عنوان اقدامات پیشنهادی برای دستیابی به توسعه اقتصادی - اجتماعی از سوی صاحب‌نظران تحقیق به اقدامات ذکر شده اضافه گردید که در جدول زیر ذکر شده است:

**جدول ۳:** اقدامات پیشنهادی صاحب‌نظران برای دستیابی به توسعه اقتصادی - اجتماعی اضافه شده در راند اول

**Table 3: Proposed Actions of Experts to Achieve Socio-Economic Development Added in the First Round**

ردیف	اقدامات پیشنهادی برای نیل به توسعه اقتصادی - اجتماعی
Row	Proposed Actions To Achieve Socio-economic Development
1	گسترش چتر تأمین اجتماعی
2	توسعه صنایع مادر
3	کوتاه کردن دست نیروهای نظامی در اقتصاد
4	مشخص کردن کارگزار اصلی توسعه در کشور
5	تنش‌زدایی با جهان خارج مخصوصاً همسایگان
6	کاهش سهم نفت از بودجه‌ی کشور
7	گسترش صادرات غیر نفتی
8	حذف نهادهای با کار موازی در کشور
9	برابری فرصت‌ها برای همه‌ی اقوام و گروه‌های سیاسی
10	تحقق حقوق شهروندی
11	شناخت نقاط ضعف و قوت جامعه‌ی ایران در همه‌ی ابعاد
12	ارتقای تکنولوژی و بهره‌مندی از تکنولوژی روز



### نتایج راند دوم

در راند دوم پاسخ‌های هر عضو در راند اول به همراه تعداد امتیاز پاسخ‌های تمام اعضای پانل دلفی در اختیار تک‌تک اعضا قرار گرفت و دوباره از آنها نظرخواهی شد. لازم به ذکر است که در این راند علاوه بر اقدامات پیشنهادی مستخرج از ادبیات و پیشینه‌ی تحقیق، اقدامات پیشنهادی مشارکت‌کنندگان در راند اول هم اضافه گردید تا اعضای پانل دلفی در مورد این اقدامات نیز نظر بدهند. در نهایت اقدامات پیشنهادی برای دستیابی به توسعه‌ی اقتصادی - اجتماعی در راند دوم ۵۱ اقدام بود که پس از تکمیل پرسشنامه‌ها این نتایج حاصل شد:

در بین اقدامات پیشنهادی برای دستیابی به توسعه‌ی اقتصادی - اجتماعی ۶ اقدام زیر با ۷۵ امتیاز و ۱۰۰ درصد امتیاز ممکن حائز بیشترین امتیاز گردیدند:

- ۱- ایجاد مؤسسات مالی کلیدی مانند بانک مرکزی مستقل و اداره‌ی بودجه‌ی قوی
- ۲- ایجاد دستگاه قضائی مستقل و کارآمد
- ۳- برقراری حاکمیت قانون
- ۴- بهبود شاخص شفافیت (جریان آزاد اطلاعات و دسترسی سهل و آسان همه به آن)

۵- تحقق حقوق شهروندی

۶- کنترل فساد

همچنین اقدامات زیر به ترتیب کمترین امتیاز را کسب نمودند:

- ۱- کاهش کارگران و کارمندان از طریق اخراج‌های داوطلبانه و اجباری با ۱۷ امتیاز و کسب ۲۲/۶۶ درصد امتیاز ممکن
  - ۲- افزایش نرخ بهره با ۲۲ امتیاز و کسب ۲۹/۳۳ درصد امتیاز ممکن
  - ۳- فعال کردن صرافی‌ها به منظور عملی کردن سیستم ارز شناور با ۲۵ امتیاز و کسب ۳۳/۳۳ درصد امتیاز ممکن
  - ۴- حذف یارانه‌ها با ۲۸ امتیاز و کسب ۳۷/۳۳ درصد امتیاز ممکن
  - ۵- بازپرداخت سریع بدهی‌های خارجی با ۳۰ امتیاز و کسب ۴۰ درصد امتیاز ممکن
  - ۶- رقابتی کردن بازار نرخ ارز با ۳۱ امتیاز و کسب ۴۱/۳۳ درصد امتیاز ممکن
- پس از پایان راند دوم و گردآوری و محاسبه‌ی میزان امتیاز پاسخ‌ها، معیار اتفاق نظر بر داده‌ها اعمال گردید. با توجه به اینکه از قبل سطح ۷۰ درصد را به‌عنوان معیار اتفاق نظر انتخاب کرده بودیم، بر این اساس کسب ۷۰ درصد امتیازهای ممکن (کسب ۵۲/۵ امتیاز و

بیشتر) به عنوان سطح اتفاق نظر لحاظ شد و در نتیجه از بین اقدامات پیشنهادی برای دستیابی به توسعه ۱۴ اقدام به سطح اتفاق نظر رسیدند و برای ادامه‌ی کار حذف گردیدند.

### نتایج راند سوم

با پایان یافتن راند سوم، معیار اتفاق نظر برای اقدامات پیشنهادی برای دستیابی به توسعه اعمال گردید. از میان ۳۷ اقدام پیشنهادی برای نیل به توسعه‌ی اقتصادی - اجتماعی در این راند، ۳۴ اقدام معیار اتفاق نظر را کسب نموده و سه اقدام « تأمین حداقل نیازهای مصرفی خانواده» و «لیبرالیزه کردن تجارت بین منطقه‌ای» و «کنترل قیمت‌ها و افزایش کیفیت قوانین و مقررات تنظیم‌گری» موفق به کسب معیار اتفاق نظر نگردیدند. همچنین پس از اتمام راند سوم، برای تعیین میزان اتفاق نظر صاحب‌نظران مشارکت‌کننده در تحقیق از آزمون ضریب هماهنگی کندال استفاده کردیم. مقدار این مقیاس هنگام هماهنگی یا موافقت کامل برابر با یک و در زمان نبود کامل هماهنگی برابر با صفر است. برای این کار با استفاده از نرم‌افزار SPSS ضریب کندال را برای پاسخ‌های صاحب‌نظران محاسبه کردیم که میزان آن برای اقدامات پیشنهادی برای دستیابی به توسعه ۰/۷۱۵ بود که دلالت بر اجماع نظر قوی بین متخصصان دارد و نشان‌دهنده‌ی اطمینان قوی از ترتیب راهکارهای پیشنهادی برای دستیابی به توسعه از سوی مشارکت‌کنندگان است.

**جدول ۴:** نتایج آزمون رتبه‌های دبلو کندال برای اقدامات پیشنهادی جهت دستیابی به توسعه در پایان راند سوم

**Table 4: The Results of W Kendall Rank Test to Achieve Development in the End of Third Round**

تعداد عامل	ضریب کندال	اطمینان نسبت به ترتیب اقدامات
<i>Number of Agents</i>	<i>Kendall Coefficient</i>	<i>Ensure the Order of Actions</i>
37	0/715	زیاد

در مرحله‌ی پایانی، نتایج حاصل شده مورد بازبینی قرار گرفت. پس از بازبینی نتایج دلفی برای طراحی مدل توسعه‌ی ایران، اقدامات پیشنهادی برای توسعه که دارای معنی و

مفهوم مشترکی بودند، تحت یک عبارت واحد ادغام شدند و در انتها ۲۲ اقدام و راهکار پیشنهادی برای دستیابی ایران به توسعه مشخص گردید که عبارتند از:  
**جدول ۵:** نتایج نهایی اقدامات پیشنهادی جهت دستیابی به توسعه اقتصادی - اجتماعی (حاصل از انجام دلفی) به ترتیب اهمیت

**Table 5: Final Results the Proposed Actions to Achieve Socio-economic Development (From Delphi) In Order of Importance**

ردیف	اقدامات پیشنهادی جهت دستیابی به توسعه اقتصادی - اجتماعی
Row	Proposed Actions to Achieve Socio-economic Development
1	ایجاد دستگاه قضائی مستقل و کارآمد
2	ایجاد مؤسسات مالی کلیدی مانند بانک مرکزی مستقل و اداره‌ی بودجه قوی
3	تحقق جامعه‌ی مدنی
4	شایسته‌سالاری
5	کنترل فساد
6	تأمین خدمات اساسی (آب بهداشتی سالم، بهداشت، آموزش و حمل و نقل)
7	اولویت دادن به توسعه‌ی اقتصادی
8	تحقق حقوق شهروندی
9	مشخص کردن کارگزار اصلی توسعه در کشور
10	دسترسی به یک شغل با حقوق مکفی
11	کاهش سهم نفت از بودجه‌ی کشور
12	تنش‌زدایی با جهان خارج مخصوصاً همسایگان
13	اصلاح و بهبود کیفیت نظام اداری
14	توسعه‌ی صنایع مادر
15	اصلاح نظام مالیاتی
16	اولویت دادن به توسعه‌ی اجتماعی
17	ایجاد یک اقتصاد رقابتی کامل از راه خصوصی‌سازی و مقررات‌زدایی
18	ارتقای تکنولوژی و بهره‌مندی از تکنولوژی روز
19	شناخت نقاط ضعف و قوت جامعه‌ی ایران
20	ایجاد وفاق عمومی
21	گسترش چتر تأمین اجتماعی
22	گسترش صادرات غیر نفتی

## نتیجه‌گیری

اولین قدم در راه دستیابی به توسعه، اذعان به مصائب و مشکلات موجود و برنامه‌ریزی برای رفع این نارسائی‌ها و فقدان‌هاست و قطعاً دیدگاه صاحب‌نظران توسعه و نخبگان علوم اجتماعی و دستیابی به اجماع نظری آنها در راه دستیابی به این مهم راهگشا خواهد بود؛ بنابراین با توجه به نتایج حاصل از دلفی و در نظر گرفتن شرایط خاص موجود در کشور، اقدامات زیر از نظر متخصصین امر پیشنهاد شده است:

### ۱- دستگاه قضائی مستقل و کارآمد: اولین قدم در راه دستیابی به توسعه‌ی

اقتصادی - اجتماعی ایجاد یک دستگاه قضائی مستقل و کارآمد و برقراری حاکمیت قانون می‌باشد. این دستگاه قدرتمند و مستقل قضائی لازم است که دارای اختیار، اقتدار، دارایی و اعتبار لازم برای زیر سؤال بردن مقامات حکومتی حتی سران عالی رتبه نظام باشد. حاکمیت قانون «حکمرانی‌ای است که در آن همه‌ی نهادها و مؤسسات اعم از عمومی و خصوصی، از جمله خود دولت، در برابر قوانین پاسخگو باشند، قوانینی که تصویب شده‌اند و در اجرای آنها میان شهروندان تبعیضی اعمال نمی‌شود و دستگاه قضائی مستقل بر اساس آنها قضاوت می‌کنند و با هنجارها و معیارهای حقوق بشر بین‌المللی سازگار هستند. حاکمیت قانون مستلزم انجام اقداماتی برای تضمین اصول برتری قانون، برابری در مقابل قانون، پاسخگویی در برابر قانون، انصاف در اعمال قانون، تفکیک قوا، مشارکت در تصمیم‌گیری، قطعیت قانونی، جلوگیری از خودسرانگی و تصمیمات سلیقه‌ای و شفافیت قانونی و رویه‌ای است» (Shojaeian, 2017: 73-74). این یافته با نتیجه‌ی تحقیق (Zobairi And Salahi kojor (2018) که در آن استقلال دستگاه قضائی اثر مثبت و معناداری بر تولید ناخالص داخلی دارد، مطابقت دارد و یک دستگاه قضائی مستقل و کارآمد از طریق تضمین قراردادها و مجازات تخطی از قانون بر امنیت مالکیت خصوصی و پیش‌بینی‌پذیری سرمایه‌گذاری و در نتیجه‌ی رشد اقتصادی اثرگذار بوده و زمینه برای اقدامات مهم دیگر در جهت دستیابی به توسعه‌ی اقتصادی - اجتماعی فراهم می‌سازد.

### ۲- بانک مرکزی مستقل و بودجه کارآمد و شفاف: استقلال بانک مرکزی برای

نیل به توسعه‌ی اقتصادی - اجتماعی در هر کشوری ضروری است. زیرا این بانک می‌تواند به پشتوانه‌ی استقلال خود نظم مطلوبی در نظام پولی و بانکی کشور ایجاد کرده و تحت نفوذ سیاست‌های دولت قرار نمی‌گیرد و در بحران‌های مختلف دولت نمی‌تواند هر زمان که بخواهد کسری بودجه‌ی خود را با استقراض از این بانک و وادار کردن آن به چاپ پول، مرتفع نماید. در چنین نظامی بانک مرکزی مسئول حفظ ارزش پول ملی کشور از طریق

مقابله با تورم تلقی می‌شود و با توجه به اینکه علت اصلی ایجاد تورم افزایش نقدینگی و فشار تقاضا می‌باشد، مستقل بودن بانک مرکزی سبب می‌شود سیاست‌های آن در راستای ثبات قیمت‌ها و ثبات اقتصادی باشد و تصمیمات این بانک بیشتر مبنای اقتصادی و نه سیاسی خواهد بود. البته استقلال بانک مرکزی به معنای بی‌توجهی به سیاست‌های دولتی و آزادی مطلق نیست بلکه با توجه به شرایط اقتصادی و وضعیت توسعه در کشور سیاست‌هایی را اتخاذ نماید که علاوه بر کنترل تورم سبب بیکاری و رکود نشود و انگیزه و تحرک لازم را در اقتصاد کشور ایجاد نماید. این یافته نیز با تحقیق *Yeh & et al (2013)* که رابطه‌ی بین ساختار مالی و رشد اقتصادی را مثبت و معنادار می‌داند تطابق دارد.

**۳- تحقق جامعه‌ی مدنی:** این امر به معنای حضور مردم در تصمیم‌گیری‌های مختلف کشور است که لازمه‌ی انجام آن آزادی حداکثری همه‌ی شهروندان برای ابراز عقاید خود می‌باشد. برای این کار فراهم نمودن آزادی‌های سیاسی، حقوقی و ... و تحقق جامعه‌ی مدنی می‌تواند به‌عنوان رابط بین مردم و حکومت عمل نموده و باعث نظارت بیشتر حوزه‌ی عمومی و مردم بر دولت و پاسخگویی بیشتر دولتمردان گردد و با نتایج تحقیق *Tremblay (2009)* نیز مطابقت می‌کند. در این تحقیق مفاهیم و چارچوب‌های اقتصاد اجتماعی تابع توجه‌ی فزاینده تحلیل آکادمیک، سیاست عمومی توسط دولت‌ها و کنش مشارکتی توسط جنبش‌های جامعه‌ی مدنی هم در کانادا و هم به شکل بین‌المللی بوده‌اند و یافته‌ها بر مقوله‌های مربوط به ابزار سیاست و برنامه‌های بکار رفته توسط دولت‌ها و جامعه‌ی مدنی در حوزه‌های مختلف از نظر بین‌المللی تأکید دارند.

**۴- دولت توسعه‌گرا و بکارگیری الگوی حاکمیت خوب:** بدون تردید شرایط کلان سیاسی مانند استقلال قوه‌ی قضائیه، رسانه‌های آزاد و مستقل، و برقراری انتخابات در کشور تأثیر مستقیم بر رابطه‌ی بین مردم و حکومت دارند و از الزامات حکمرانی خوب است اما نباید فقط به اقدامات و اصلاحات در حوزه‌ی کلان پرداخت. بلکه برای هر حوزه از زندگی اقتصادی و اجتماعی مردم برنامه‌ریزی کرد. تأمین خدمات اساسی شامل آب آشامیدنی سالم، آموزش، بهداشت، ارتقای حمل و نقل عمومی، گسترش چتر تأمین اجتماعی، ایجاد اشتغال، برقراری عدالت اجتماعی و ... از اقدامات اساسی برای دستیابی به توسعه است. با توجه به تحولاتی که در زندگی شهروندان ایجاد شده است، نیازها و مطالبات آنها نیز متعدد و گوناگون خواهد بود و دولت با شکل قدیمی و سنتی نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای فعلی شهروندان باشد. بنابراین دولت‌ها برای تحقق خواسته‌های مردمانشان نیازمند الگوها و مدل‌های جدیدی هستند که بتواند از تمام ظرفیت‌های جامعه

برای تقویت پاسخگویی و شفافیت، مشارکت و قانونمندی، کنترل فساد و ... استفاده نماید. روی کار آمدن یک دولت توسعه‌گرا و به کارگیری الگوی حکمرانی خوب، پیشنهاد این تحقیق برای نیل به این هدف است. نتایج این تحقیق با نتایج تحقیقات (Nabavi 2011) و (Midari 1994) همسو می‌باشد؛ علاوه بر این، یافته‌های پژوهش با نتایج تحقیق (Safaryan and Emam Jomeezadeh 2017) همخوانی دارد. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که الگوی حکمرانی خوب با ساختار همتراز و افقی اجتماعی و ماهیت راهبردی دولت، شرایط را برای همکاری، اعتماد و ایجاد سرمایه‌ی اجتماعی در سه سطح فردی، گروهی و شبکه‌ای و همچنین در خود مجموعه دولت فراهم می‌نماید و دولت با ماهیتی راهبردی، فنی و سازمانی و جامعه در چشم‌اندازی هماهنگ و همکار با هم، مسیر توسعه را در بخش‌های مختلف پیش می‌برند. در بخش اقتصادی با شفافیت و عرصه‌ی آزاد اطلاع‌رسانی، شرایط برای رقابت سالم اقتصادی و از بین بردن فساد و رانت فراهم می‌شود و در نتیجه شاخص‌های رشد اقتصادی ترقی می‌کنند و در حوزه‌ی اجتماعی با مشارکت همسان نیروهای گوناگون، رویه‌ها برای عدالت اجتماعی و رفع تبعیض‌های گوناگون فراهم می‌شود و با همبستگی اجتماعی و اشتراک مساعی زمینه برای دستیابی به توسعه‌ی اجتماعی فراهم می‌گردد.

بنابراین در حالت کلی اگر حاکمیت را ترکیبی از سه بخش دولت، قوه‌ی قضائیه و مردم بدانیم، در صورت بکارگیری استراتژی حاکمیت خوب، آنها با هم در تعامل خواهند بود و دولت با شایسته‌سالاری، کاهش سهم نفت از بودجه‌ی کشور، اصلاح نظام اداری و مالیاتی و ایجاد مؤسسات مالی کلیدی مانند بانک مرکزی مستقل و اداره‌ی بودجه‌ی قوی از یک طرف و قوه‌ی قضائیه با برقراری حاکمیت قانون، کنترل فساد و بهبود شاخص‌های شفافیت در کشور از طرف دیگر، بستر و امنیت لازم را برای بازار ایجاد می‌نمایند تا تولید، اشتغال و رونق اقتصادی ایجاد شود. در این بین مشارکت مردم در حکومت سبب تحقق جامعه‌ی مدنی در قالب: مطبوعات آزاد، احزاب و رسانه‌های مستقل شده که به‌عنوان پل ارتباطی بین دولت و اجتماع عمل می‌کند و زمینه را برای نظارت بیشتر بر عملکرد دولت و مسئولان و پاسخگویی آنها فراهم می‌نمایند. ترکیب و تعامل این بخش‌ها با هم زمینه را برای تحقق اهداف این استراتژی یعنی: تأمین خدمات اساسی، تحقق عدالت اجتماعی، تقویت ساختارهای دموکراتیک، گسترش چتر تأمین اجتماعی، بهبود کیفیت محیط زیست، افزایش بهره‌وری و ... فراهم می‌نماید و در چنین بستری زمینه برای دستیابی به توسعه‌ی اقتصادی - اجتماعی تسهیل می‌شود.

## پیشنهادات کاربردی پژوهش

- ۱- انجام آمایش سرزمینی جهت شناخت نقاط ضعف و شناسایی قابلیت‌ها و ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل کشور.
- ۲- انجام اصلاحات لازم در قوه‌ی قضائیه و تربیت قضات صالح و متعهد.
- ۳- اصلاح و تقویت سازمان بازرسی کل کشور.
- ۴- ایجاد و تقویت نهادهای مدنی در کشور از قبیل *NGO* ها .
- ۵- فرهنگ‌سازی در راستای احترام به قوانین از طریق رسانه‌های گروهی و نظام آموزشی.
- ۶- حمایت دولت از کارآفرینان اقتصادی و کمک به تشکیل کارگاه‌های زودبازده.
- ۷- حمایت از بخش خصوصی با اعطای وام‌های کم‌بهره و بلندمدت.
- ۸- تعامل بیشتر با همسایگان و عضویت در پیمان‌های اقتصادی منطقه‌ای.
- ۹- جذب متقاضیان تحصیل با توجه به نیازهای کشور.
- ۱۰- اصلاح نظام آموزشی شامل: الف) توجه به مهارت‌افزایی در مقوله آموزش؛ ب) رسیدگی به وضعیت معیشتی معلمان و ارتقای جایگاه معنوی آنان در جامعه؛ ج) تلاش برای ایجاد و تقویت آموزش دو سویه محور (دانش‌آموز منفعل نباشد)؛ د) ایجاد زمینه برای تقویت خلاقیت و نوآوری در مدارس؛ ه) تربیت دانش‌آموز محقق و پژوهشگر؛ و) تجهیز و بهینه‌سازی فضای فیزیکی مدارس و ایجاد یک محیط با نشاط برای یادگیری؛ ر) تشکیل ساعات مطالعه و کتابخوانی در مدارس و آموزش استفاده از کتابخانه و منابع به کودکان؛ ز) افزایش دسترسی به منابع علمی از طریق تجهیز کتابخانه‌ها به منابع روز دنیا؛ س) افزایش سهم آموزش و پژوهش در بودجه‌ی کشور.
- ۱۱- ایجاد و گسترش صنایع مادر توسط بخش دولتی.
- ۱۲- واگذاری صنایع متوسط و کوچک به بخش خصوصی و حمایت کامل دولت از آنها تا بازدهی مناسب.
- ۱۳- اصلاح قانون خدمات کشوری و یکپارچه کردن نظام حقوق‌ها و پرداخت‌ها در کشور.
- ۱۴- استفاده از ظرفیت و پتانسیل قشر جوان و تحصیل‌کرده کشور در امور حکومت.
- ۱۵- گزارش عملکرد نهادها و سازمان‌های مختلف دولتی به مردم در جهت شفاف‌سازی و کنترل فساد.

**References:**

Azizi, A. Sayedian Hashemi, S. (2016). "Investigation the Factors Affecting On Social and Economic Development of Esfahan", *Shushtar Social Science Quarterly*, 10 Year, No 1, PP 27-50. (Persian).

Azkiya, M & et. al. (2013). "Development and New Paradigm Disputes", Vol 1, Tehran: Kayhan Publication. (Persian).

Azad Armaki, T. (2011). "Sociology of Development, Principles and Theories", Second Edition, Tehran: Elm Publication. (Persian).

Alidosti, S. (2006). "Delphi Method: Basics, Steps And Examples Of Application", *Quarterly Journal Of Management And Development*, Eighth Year, No 31, PP 8-24. (Persian).

Bagheri Bonjar, A. & et. al. (2015). "Social Development Approaches In The View Of Faculty Members Of Social Science Departments", *Quarterly Journal Of Social Studies And Research In Iran*, 4 Period, No 1, PP 59-91. (Persian).

Caporale, G. & et. al. (2015). "Financial Development And Economic Growth: Evidence from 10 New European Union Members", *International Journal Of Finance & Economics*, 20(1):48-60.

Fazeli, M. & et. al. (2013). "Social Development, Indicators And Iran's Position In The World", *Quarterly Journal Of Socio-cultural Development Studies*, Second Preiod, No. 1, PP 149-171. (Persian).

Ghaneei Rad, M A. (2005). "Social Development Approach, Poverty Alleviation Programs in Iran", *Quarterly Journal of Social Welfare*, 5 Year, No 18, PP 223-262. (Persian).

Joghtaei, F. & et. al. (2016). "Dimensions and Components Of Social Development In Development Programs", *Social Welfare Quarterly*, 16 Year, No. 63, PP. 55-88. (Persian).

Jong-A-Pin, R. (2006). "On The Measurement of Political Instability and Its Impact on Economic Growth", *European Journal of Political Economy*, 25(1):15-29.



Khoshchehreh, M. (2006). "A Radical Reflection on the Pattern And Strategy Of Basic Needs", *Journal of Development Strategy* , Second Year, No 6 , PP 103-116. (Persian).

Legatum (2019). The 2019 Legatum Prosperity Index. [http://webapi.prosperity.com/download/pdf/PI2019\\_Brochure\\_Final\\_web.pdf](http://webapi.prosperity.com/download/pdf/PI2019_Brochure_Final_web.pdf) .

Motaghi, S. (2017). "Investigation The Role Of Social Development In Economic Growth ( Case Study : Iran And Turkey)", *Journal Of Social Development Studies* , 9 Year , No 3 , PP 57-68. (Persian).

Mirzaei, Kh. (2016). "Qualitative Research, Research, Research and ResearchLetter Writing", First Vol., First Edition, and Tehran: Fozhan Publication. (Persian).

Mosaei, M. (2009). "The Relationship between Social Development and Economic Development", *Quarterly Journal of Yas Strategy*, No 20, PP 96-117. (Persian).

Midari, A. (2004). "Good Governance, the Foundation of Development", Tehran: Parliamentary Research Center. (Persian).

Norbakhsh, A. (2016). "Development Issues in Development-Oriented and Rentier Governments", First Edition, Qom: Atresa Publications. (Persian).

Naghdi, A. Hesari, M. J. (2012). "Causes of Iran's Underdevelopment (Based on the Content Analysis of Published Works)", *Quarterly Journal of Sociological Studies of Iran*, Second Period, No 4. (Persian).

Nabavi, A. (2011). "Iran And The Developmentalist Government", *Journal Of Political Science*, The Sixth Year, No. 3, PP. 187-224. (Persian) .

Padash Ziveh, H. Khoda Panah, B. (2015). "Estimating The Impact Of Good Governance Indicators On Knowledge-based Economy in Selected Countries", *Quarterly Journal of Planning and Budgeting*, 20 Year, No 3, PP 165-187. (Persian).

Powell, C. (2003). The Delphi Technique: Myths and Realities, *Methodological Issues in Nursing Research*, 41 (4).

Rostami, F. Bahramipour, F. (2018). "Investigation The Nature Of Resistance Economics And Theories Of Economic

Development”, Economic Journal, No. 1 and 2, PP 95-116. (Persian).

Shojaeian, Kh. (2017). “Components Of The Principle Of The Rule Of Law In The Light Of The United Nations”, Quarterly Journal Of Public Legal Research , First Year , No 3 , PP 71-90. (Persian).

Safaryan, R. Emam Jomeehzadeh, S J. (2017). “Good Governance Model, Social Capital and Comprehensive Development”, Quarterly Journal of Government Studies, 3 Year, No 12, PP 145-181. (Persian).

Saei, A. (2015). “Development In Conflicting Schools”, Seventh Edition, Tehran : Ghomes Publication .(Persian).

Saifolahi, S. (2011). “Sociology Of Socio-Economic Development Of Iran”, Tehran: Sina Sociologists Publication. (Persian).

Smelser, N. G. (2002). “Toward The Theory Of Modernization, The Book Of Traditional Society And Modern Society-Modernity, Critical Concepts”, Edited By Malcolm Waters, Translated By Mansour Ansari, Tehran: Naghsh Jahan Publication. (Persian).

Stiglitz, J. (2002). “Participation And Development: Perspectives from the Comprehensive Development Paradigm”, Review Of Development Economics, 6:152-182.

Tremblay, C. (2009). “Advancing The Social Economy For Socio-economic Development”, International Perspectives Public Policy Paper Series Number 01-September Canadian Social Economy Hab At The University Of Victoria.

Taj Bakhsh, K. (2006). “Social Capital, Trust, Democracy And Development”, Tehran : Shirazeh Publication. (Persian).

Vogelgesang, J. (2016). “In The Influence On Government Size On Social Welfare Different Among Lesser Developed, Developing And More Developed Nation?, An Economic Panel Analysis , At : [www.antolindavies.com/theses/vogelgesang.docx](http://www.antolindavies.com/theses/vogelgesang.docx).

[www.prosperity.com](http://www.prosperity.com)

Yeh, C. C. & et. al. (2013). “Financial Structure on Growth and Volatility”, Economic Modeling, 35: 391-400.

---

Zobairi, H. Salahi Kojor, S. (2018). "The Effect Of Judicial Independence On GDP (Interstate Study With Panel Data Method)", Economic Modeling Quarterly, 3 Year, No 3, PP 63-82. (Persian).

## Sociological Analysis of the Iran Social Science Elites Opinion about Socio-Economic Development

Mahmood Bastaminezhad<sup>1</sup>, Akbar Talebpour (Ph.D)<sup>2</sup>, Khalil Mirzaei (Ph.D)<sup>3</sup>

Doi: 10.22055/qjdsd.2021.17075

### Abstract:

The aim of this study was to achieve a theoretical consensus of the view of Iranian social scientists on socio-economic development. According to the research objectives, the qualitative approach and Delphi research method have been used. The participants of this research included all those who were in the field of development and had a book, article or research effect. Using a targeted sampling method, 15 of these people were selected as contributors. Kendall coordination coefficient was used to determine the degree of consensus among Delphi panel members and 70 percent was set as level of consensus. The results indicated that if we consider the government as a combination of the three parts of the government, judiciary and the people if they use a good governance strategy they will interact with each other and government with meritocracy, reducing the share of oil in the country's budget, reform of administrative and tax system and establish key financial institutions such as an independent central bank and strong budget management on the other hand and judiciary by establishing the role of law, controlling corruption and improving transparency indicators in the country on the other hand, creates the environment and security for the market to create production, employment and economic prosperity. Meanwhile the participation of the people in the government has led to the realization of civil society, including a free press, parties and independent media, which act as a bridge between government and society and provide the basis for further monitoring of the performance of government and officials and their accountability. The combination and interaction of these parts together pave the way for achieving the goals of this strategy that's mean: providing basic services, realization of social justice, strengthen democratic structures, extending the social security umbrella, improving the quality of the environment, increase productivity and ... to provide. In such a context, it will be easier to achieve socio-economic development.

**Key Concepts:** Social Science Elites, Delphi Method, Development-Orient Government, Good Governance, Socio-Economic Development

<sup>1</sup> Sociology PhD Candidate, Science & Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, bastamimahmood@yahoo.com

<sup>2</sup> Associate Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Social Sciences and Economics, Al Zahra University, Tehran, Iran (Corresponding Author), a.talebpour@alzahra.ac.ir

<sup>3</sup> Associate Professor, Department of Sociology, Roudehen Branch, Islamic Azad University, Roudehen, Iran, mirzaeikhalilr@yahoo.com

